



رویارویی روشنفکران ایران با مدرنیته، مسئله محوری کتاب «روشنگری و بیم و امیدهای روشنفکران در ایران» نوشته علی میرسپاسی است. یکی از بحث‌های اساسی این کتاب، طرح این مسئله است که برخلاف تصور بسیاری، خصوصیت فکری و سیاسی برخی از روشنفکران ایران که در قالب نظریه‌های غرب‌زدگی مطرح شد و ظاهری بومی‌گرا دارد، از سنت ضد روشنگری اروپا یا همان منتقدان رادیکال مدرنیته برآمده است. میرسپاسی در این کتاب از چهره‌های شاخص روشنفکری ایران همچون شرعیاتی، آلاحمد، دایکاش، و جواد طباطبایی نام می‌برد و این جریان را به‌نامی از هایدگر و دیگر متفکران شاخص این سنت، ضد روشنگری می‌خواند. این نظر روشنفکران، مدرنیته و دموکراسی را هم‌عدتا به‌واسطه اندیشه‌های رادیکال ضد روشنگری متفکران آلمانی و برخی از روشنفکران فرانسوی شناخته که تاب‌شان به جنبش ضد روشنگری می‌رسد، گفتمانی که شاید آینده ایران را به بیراهه کشاند و نوعی انحراف تاریخی در جریان فهم روشنگری با مدرنیته ایرانی بداند آورد. میرسپاسی با تحلیل «فریدیسم» نشان می‌دهد که فردید نوعی الگوی فکری مسلط در محاورات تاریخی‌گری هایدگری و تحلیل ماتفریگی از شرق و غرب به‌نام‌های رفقای متخاصم ایجاد کرد. «گفتمان فردید باعث ایجاد گسست از گفتمان‌های دوران مشروطیت شد که حول روشنگری، علم، پیشرفت و… شکل گرفته بود». از اینجاست که به‌تعبیر میرسپاسی، نوعی ضدیت با آرمان‌های دموکراتیک به‌ظاهر ناخودآگاه در میان بسیاری از روشنفکران ایرانی پشه دواند. دیگر روشنفکران مهم و تاثیرگذار ایرانی ازجمله آلاحمد و شایگان نیز در این مقاله مطرح شده‌اند و به‌گفته میرسپاسی آنان نیز مانند فردید جهانی خیالی از شرق در برابر غرب را در چهارچوبی فلسفی و تاریخی‌گری هایدگری مورد بحث قرار دادند. میرسپاسی همچو دیگر این اندیشه را در مستودار جواد طباطبایی یکپوری می‌کند که معتقدند تنها با تخریب ریشه‌ای اندیشه‌های سنتی موجود و تاریخی ایران یا یک انقلاب معرفت‌شناختی می‌توان استقرار یک جامعه دموکراتیک مدرن را امکان‌پذیر کرد. علی میرسپاسی باور دارد که وقتی روشنفکران با در زمین واقعیت روزمره داشته باشند، می‌توانند و اغلب توانسته‌اند روایتی اجتماعی درباره ارائه ایده دهنه که روایتی از امید یا نبهودی، همسنگی اجتماعی یا مبدارای فرهنگ باشد و به نمونه‌های متعدد اشاره می‌کند: «عادت از اروپا به‌خصوص از آلمان و به‌شی می‌کیم، بعد از دهه‌های مهمل و بنجاح دهفقا چنین روایتی است. مبارزه ملی دموکراتیک به‌طور قطع بر تجربه بازه دموکراتیک پس از جنگ جهانی دوم استوار بود، جایی که سیاست راجع جنگ سکولار و ملی‌گرا در دولت جیهه ملی ۱۳۳۰-۱۳۳۲ محکم مصدق به مبارزه خورید، جیهه ملی جنبشی توده‌ای یابنده به یک سیاست ملی سکولار-دموکراتیک و مستقل بود». از دید میرسپاسی تلاش‌های مصدق بر فرهنگ سیاسی موجود ایرانی استوار بود که ریشه در انقلاب مشروطه داشت. با این حال تأکید دارد که تاب‌ناشناسی نقش‌های روشنفکری در فضای عمومی، اغلب داستان تیره‌ترتاری را بیان می‌کند، سرگذشتی که عموماً سرشار از افراط در گرایش‌ها و انگیزه‌های متناقض و اغلب اسفبار است. میرسپاسی از انقلاب معرفت‌شناسانه معاصر می‌سخن می‌گوید که تمام گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه را ناشی از توانایی در اندیشیدن با همان بحث زوال یا انحطاط تفکر می‌دانست علی میرسپاسی، استاد مطالعات خاورمیانه و جامعه‌شناسی در دانشگاه نیویورک، کار روشنفکر را «افسون‌زدایی از دنیا» می‌داند و معتقد است روشنگری با تکیه بر خرد نشان می‌دهد که رمز و رازی در دنیا نیست که توان آن را شناخت، یا دست‌کم معنای پنهانی که برخی از متفکران داعیه‌ی شناخت آن را داشته باشند.

روایتی روشنفکران ایران با مدرنیته، مسئله